

## سنجش میزان برخورداری از شاخص بهزیستی معنوی و رابطه آن با فرهنگ اعتقاد به مهدویت در بین دانشجومعلمان دختر

هیدا طوافی<sup>۱</sup>

### چکیده

بود داده‌های دقیق درباره وضعیت بهزیستی معنوی و رابطه آن با باورهای مهدوی؛ برنامه‌ریزی فرهنگی و آموزشی دانشگاه فرهنگیان را با عدم قطعیت مواجه می‌کند. با توجه به این امر، پژوهش حاضر باهدف تعیین وضعیت شاخص بهزیستی معنوی و ارتباط آن با فرهنگ اعتقاد به مهدویت در بین دانشجومعلمان دختر پردیس شهید باهنر همدان در سال ۱۴۰۳ انجام شده است. برای سنجش بهزیستی معنوی از پرسشنامه استاندارد شده دهشیری و همکاران (۱۳۸۸) و برای سنجش اعتقاد به مهدویت از مدل پیشنهادی انجمن ملی بین مذاهب بهره برده شده است. تحقیق به روش پیمایشی، از نوع همبستگی و با استفاده از تکنیک پرسشنامه در بین ۲۴۸ نفر به اجرا در آمده است. نتایج توصیفی نشان می‌دهد که دانشجومعلمان در سطح متوسط از شاخص بهزیستی معنوی برخوردارند و برخورداری آن‌ها از شاخص فرهنگ اعتقاد به مهدویت کمی پایین‌تر از سطح متوسط برآورد شده است. نتایج آزمون همبستگی حاکی از رابطه معنادار بین بهزیستی معنوی و فرهنگ اعتقاد به مهدویت (۴۰٪) است. وجود رابطه معنادار بین مؤلفه‌های بهزیستی معنوی (ارتباط با خدا (P:0/29)، ارتباط با خود (P:0/19)، ارتباط با دیگران (P:0/18) و ارتباط با طبیعت (P:0/11)) با فرهنگ اعتقاد به مهدویت نیز تأیید شده است. نتایج رگرسیونی حاکی از آن است که از بین متغیرهای مستقل، متغیر ارتباط با خدا با مقدار بتای ۰/۴۶ و متغیر ارتباط با خود با مقدار بتای ۰/۴۵؛ در تبیین متغیر وابسته اعتقاد به مهدویت بیش‌ترین سهم را داشته‌اند.

**واژگان کلیدی:** فرهنگ مهدویت، دانشجو معلم، بهزیستی معنوی، دانشگاه فرهنگیان.

## مقدمه

«فرهنگ مهدویت» مجموعه‌ای از آیین‌های اعتقادی، اخلاقی، رفتاری، مدیریتی، معرفتی و فقهی است که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر پایه وحی الهی برای هدایت انسان به ارمغان آورده و در طول دو قرن و نیم امامت توسط اوصیای برحق او که عالمان ربانی و مخصوص الهی هستند؛ تبیین، تشریح و تفسیر شده و به وجود مقدس نورانی حضرت ولی عصر عَلَيْهِ السَّلَام منتهی می‌گردد و در دوران تقریباً هفتاد ساله غیبت صغری به وسیله سفیران چهارگانه آن حضرت، با هدایت و رهبری آن ذخیره عدل الهی جریان می‌یابد. مسئله مهدویت و اندیشه ظهور مهدی موعود در آخرالزمان در آیین مبین اسلام، مسئله‌ای اصیل، ریشه‌دار و باسابقه است که هرگز با گذشت زمان کهنه و فرسوده نمی‌شود (مرادی و قلمکاریان، ۱۳۹۳: ص ۱۰۷-۱۲۵).

«بهزیستی معنوی» نیز یکی از بنیادی‌ترین ابعاد سلامت انسان در ادبیات اسلامی است؛ ساحتی که به انسان امکان می‌دهد در میانه فراز و فرودهای زندگی، با تکیه بر معنا، امید، توکل و حضور قلبی، به آرامش و جهت‌یافتگی برسد. در منابع دینی، این بُعد، نه امری جانبی، بلکه بخشی جدایی‌ناپذیر از هویت انسان موحد معرفی شده است؛ چنان‌که قرآن کریم، آرامش حقیقی را تنها در پرتو یاد خدا می‌داند: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد: ۲۸). همین معنا در کلام امام علی عَلَيْهِ السَّلَام نیز به صورت پیوند میان آگاهی، امید و استواری بیان شده است: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ اِنْتَهَى إِلَى غَايَةِ كُلِّ مَعْرِفَةٍ». گویی خودشناسی و خداشناسی، ریشه‌های آرامش پایدار را می‌رویانند. بهزیستی معنوی نیز نوعی زندگی مملو از یقین در ارتباط با خداست و ترکیب مذهبی، اجتماعی و روانی را شامل می‌شود. معنویت نگرش‌هایی را شامل است که بر اساس باورهایی درباره ارتباط با خود، با دیگران، با جهان اطراف و در نهایت با خداست. از نظر شولز (۲۰۰۲) معنویت عبارت است از تجربه ارتباط معنادار با خود، با دیگران و با جهان و قدرت برتر که به صورت عکس‌العمل‌ها، روایت‌ها و اعمال بیان می‌شود. الیسون (۱۹۸۳) بیان می‌کند که بهزیستی معنوی یک عنصر روانی اجتماعی و یک عنصر مذهبی را شامل است. بهزیستی مذهبی که عنصر مذهبی است، بیان‌کننده ارتباط با یک قدرت برتر یعنی خداست (دهشیری و همکاران، ۱۳۹۲: ص ۷۳-۹۸). تجربیات معنوی می‌تواند عمیقاً تحولی در سطوح شخصی، مذهبی، معنوی و اجتماعی فرد ایجاد کند (سید کلان و رضایی شریف، ۱۳۹۵: ص ۱۷۹). اغلب



این تحولات با شخصیت تغییر یافته و چشم انداز فرد نسبت به زندگی را تغییر خواهد داد (خانا و گریسون، ۲۰۱۳: ص ۲). با وجود این، می‌توان ادعا کرد که بهزیستی معنوی با اعتقاد به فرهنگ مهدویت بی ارتباط نیست و می‌توان با بهبود بهزیستی معنوی، فرهنگ مهدویت را در جامعه روز به روز افزایش داد.

مسئله اساسی این است که با وجود اندیشه انتظار و مهدویت، در جامعه هنور قشرهایی از مردم به آسیب‌های روحی دچار بوده و نتوانسته‌اند از این اندیشه به صورت مثمر استفاده کنند. بنابراین، ضرورت دارد به صورت میدانی به بررسی نقش اندیشه مهدویت، منجی و انتظار و عوامل مؤثر در ارتقای آن، در ظرفمندی جامعه در تمامی ابعاد آن پرداخت تا جامعه به صورت عینی شاهد آثار مثبت آن باشد. مهدویت یکی از مسائلی است که در خط مشی مبارزاتی مسلمانان شیعه، جایگاهی ویژه دارد و دور کردن جوانان از مهدویت، در صدر لیست نظام سلطه و مخالفان قرار گرفته است. این پژوهش به همین هدف و ضرورت به بررسی نقش بهزیستی معنوی به عنوان یک شاخص اثر گذار بر فرهنگ اعتقاد به مهدویت پرداخته است.

باور به مهدویت به دلیل داشتن ویژگی‌های منحصر به فرد بسیار، از توانمندترین عوامل رشد دینی جوامع ما محسوب می‌گردد که به گونه‌ای تحت تأثیر میزان بهزیستی معنوی افراد می‌باشد. به طور کلی، ارتباط قوی بین بهزیستی و مجموعه‌ای از پیامدهای مثبت برای افراد جامعه یافت شده است. شواهد فراوانی وجود دارد که نشان می‌دهد پیوندهای محکمی بین سطوح بالاتر بهزیستی و موفقیت در حوزه‌های مختلف زندگی وجود دارد (مارتلا و شلدون، ۲۰۱۹ و پلیگینگ و همکاران، ۲۰۲۱: ص ۱۰۱۹-۱۰۴۱).

دانشجو معلم دختر پردیس شهید باهنر همدان، به عنوان بخشی از بدنه آینده‌ساز نظام آموزشی کشور، در دوره‌ای حساس از زندگی قرار دارند؛ دوره‌ای که شکل‌گیری هویت حرفه‌ای، باورهای دینی، احساس معنا، امید و تاب‌آوری روانی در آن شدت می‌گیرد. در سال‌های اخیر، متون علمی داخلی و بین‌المللی نشان داده‌اند که بهزیستی معنوی یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های مهم سلامت روان، رضایت از زندگی، امید تحصیلی و سازگاری اجتماعی در میان دانشجویان است. از سوی دیگر، پژوهش‌های بومی در ایران نشان می‌دهند که معنویت در فرهنگ ایرانی-اسلامی، نه تنها بُعدی فردی، بلکه بخشی از هویت جمعی و منبعی برای امید اجتماعی است. با

این حال، هنوز روشن نیست که میزان برخورداری دانشجومعلمان دختر پردیس شهید باهنر، از شاخص‌های بهزیستی معنوی در وضعیت کنونی چگونه است و این شاخص‌ها تا چه اندازه با فرهنگ اعتقاد به مهدویت ارتباط دارند. از آنجا که آموزه مهدویت در منابع دینی، با امید، معنا، پویایی اخلاقی و تاب‌آوری پیوندی عمیق دارد؛ انتظار آن است که اعتقاد به آن بتواند بخشی از شکاف‌های روانی و معنوی دوران دانشجویی را ترمیم کند. آیات مرتبط با وعده الهی در تحقق آینده روشن (نور: ۵۵ و انبیاء: ۱۰۵) و روایات مربوط به انتظار فعال، همگی بیانگر این ظرفیت هستند که فرهنگ مهدوی می‌تواند نقش تقویت‌کننده‌ای در بهزیستی معنوی افراد داشته باشد. با توجه به رسالت تربیتی دانشگاه فرهنگیان و اهمیت سلامت روان و معنوی دانشجومعلمان، بررسی علمی این رابطه ضرورتی پژوهشی است. شناخت میزان بهزیستی معنوی و درک تأثیر فرهنگ اعتقاد به مهدویت، می‌تواند ضمن ارائه تصویری واقعی از وضعیت موجود، راهنمای برنامه‌ریزی‌های فرهنگی، تربیتی و مشاوره‌ای در پردیس باشد و به ارتقای کیفیت تربیت معلم کمک کند. مهدویت، امروزه خود یکی از پرزایه‌ترین موضوعات است و پرداختن به همه جوانب آن فرصتی معتنا به می‌طلبد. در وضعیتی که منکران مهدویت، هزینه‌های زیاد مادی و سرمایه‌های عظیم علمی خود را برای انکار مهدویت صرف می‌کنند؛ پرداختن به مهدویت از سوی معتقدان به این عقیده بسیار ضروری و لازم است. اگر گستردگی نام و یاد حضرت مهدی میان دوست و دشمن از طرق گسترش مؤسسه‌ها، برنامه‌ها، کتاب‌ها و مکان‌های مخصوص آن حضرت؛ ظهور صغری باشد؛ باید با پررنگ کردن هر چه بیش‌تر ظهور صغری این بین‌الطلوعین را به ظهور کبری رساند تا اعتقاد به مهدویت بر تمام جنبه‌های زندگی بشر سایه افکند (بزرگ خو و بنت سلمان، ۱۳۹۸: ص ۹-۲۲). بنا بر توضیحات مذکور، پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به این سؤال است که میزان برخورداری از شاخص بهزیستی معنوی و فرهنگ اعتقاد به مهدویت در دانشجومعلمان دختر شهید باهنر همدان به چه میزان است و آیا بین میزان بهزیستی معنوی و فرهنگ اعتقاد به مهدویت در میان دانشجومعلمان رابطه وجود دارد؟

## پیشینه پژوهش

بررسی پیشینه پژوهشی نشان می‌دهد با این‌که پژوهش‌های متعددی در حوزه مباحث فرهنگ مهدویت در ایران انجام شده است؛ در زمینه رابطه میان بهزیستی معنوی و فرهنگ اعتقاد به مهدویت، پژوهشی انجام نشده است. در این قسمت به تعداد محدودی از پژوهش‌های مرتبط با موضوع تحقیق که به بررسی تعدادی از عوامل مرتبط با فرهنگ مهدویت و انتظار پرداخته‌اند؛ اشاره می‌شود: مظفری و همکاران (۱۴۰۳)، در پژوهش خود با عنوان «بررسی تأثیر فرهنگ مهدویت بر باور معلمان مقطع ابتدایی لامرد»، به این نتیجه رسیده‌اند که فرهنگ مهدویت بر باور معلمان مقطع ابتدایی لامرد تأثیر مثبت و معناداری دارد. بنابراین، فرهنگ مهدویت در زمینه شناخت حضرت مهدی، باور و ایمان قلبی، انتظار ظهور، آگاهی از فلسفه غیبت و آگاهی از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌تواند باعث تقویت باور قلبی معلمان شود. حوری مردق (۱۴۰۲)، نیز در تحقیق خود با عنوان «روانشناسی اعتقاد به مهدویت در جوامع اسلام و بررسی نقش آموزش و پرورش در ترویج فرهنگ مهدویت»، به این نتیجه رسیده است که اعتقاد به مهدویت در جوامع اسلامی نقش مهمی در توسعه و تعالی این جوامع ایفا می‌کند و بر معنویت، اخلاق و رفتار افراد تأثیرات مثبت گسترده‌ای دارد. سلیمان پور عمران و همکاران (۱۴۰۰)، در تحقیق خود با عنوان «بررسی تأثیر آموزش دوره سبک زندگی منتظرانه بر فرهنگ اعتقاد به مهدویت دانش آموزان متوسطه»، به این نتیجه نایل شده‌اند که آموزش دوره سبک زندگی منتظرانه بر افزایش فرهنگ اعتقاد به مهدویت دانش آموزان می‌تواند تأثیرگذار باشد و آموزش‌های مستقیم این دوره، در کنار دیگر شیوه‌های تربیتی توصیه می‌گردد. الهی نژاد (۱۳۹۹) نیز در پژوهش خود با عنوان «تحلیل مبانی فرهنگ اجتماعی - دفاعی در عصر غیبت در پرتو اندیشه مهدویت»، بیان داشته است که جامعه مهدوی دارای شاخصه‌های متعالی نظیر دین فراگیر، ایمان فراگیر، آسایش و رفاه فراگیر و همچنین مقاومت، دفاع و امنیت فراگیر است. بزرگ خو و بنت سلمان (۱۳۹۸) نیز در تحقیق خود با عنوان «تأثیر اعتقاد به مهدویت بر تکامل اجتماعی بشر» به این نتیجه رسیده‌اند که نشانه‌های تامل اجتماعی در جهان کنونی، تبیین عوامل تکامل در جامعه منتظر و ترسیم تکامل نهایی جامعه بشری در عصر ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. همچنین سید کلان و رضایی شریف (۱۳۹۵)، در پژوهش

خود با عنوان «اثربخشی سبک زندگی مبتنی بر مهدویت در بهزیستی روانشناختی و معنوی دانش آموزان»، نتیجه گرفتند که آموزش سبک زندگی مهدوی می‌تواند باعث افزایش بهزیستی روان شناختی و بهزیستی معنوی دانش آموزان بشود.

### چارچوب مفهومی و نظری پژوهش

«به زیستن»، وضعیت خوشایندی است که در ارتباط با بستر اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، مذهبی و محیط معنا پیدا می‌کند. بهزیستی، ارزیابی فرد از کیفیت تجربیات آگاهی‌ها، ارتباط‌ها و سایر مسائل فرهنگی و مرتبط با ارزشمندی‌های فرد در حیات اوست (دینر و همکاران، ۱۹۹۹: ص ۲۷۶-۳۰۲ و کیز و همکاران، ۲۰۰۲: ص ۱۰۰۷-۱۰۲۲). به زیستن مفهومی کلیدی در رفاه و سیاست اجتماعی است که در چند دهه اخیر، به دلایل نظری و سیاستی، هم در مجامع علمی و دانشگاهی و هم در عرصه سیاست‌گذاری، اهمیت درخور توجهی یافته است. در مفهوم‌سازی‌های جدید، به زیستن فقط خروجی نیست، بلکه فرایندی است که در مقیاس فردی و اجتماعی، عینی و ذهنی بحث و اندازه‌گیری می‌شود. به علاوه، معنای به زیستن و بد زیستن در فعل و انفعال با فرایندها و بسترهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بشر، تولید و بازتولید می‌شود.

«بهزیستی معنوی» حالتی از یکپارچگی درونی است که فرد در آن معنا، هدف، اتصال به امر متعالی و هماهنگی درونی و بیرونی را تجربه می‌کند. بر اساس الگوهای رایج (Ellison, 1983: P 330-340): بهزیستی معنوی چهار قلمرو دارد: ارتباط با خدا/ مبدأ متعالی، ارتباط با خود، ارتباط با دیگران، هماهنگی با زندگی و جهان. در رویکرد اسلامی-قرآنی، بهزیستی معنوی بر سه رکن مبتنی است: ۱. توحید و عبودیت «فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰٓةً طَيِّبَةً» (نحل: ۹۷)؛ ۲. امید و اعتماد به وعده الهی (زمر: ۵۳ و انبیاء: ۱۰۵)؛ ۳. آرامش حاصل از ذکر، یقین و توکل (رعد: ۲۸). بهزیستی معنوی زندگی مملو از یقین در ارتباط با خداست و نوعی ترکیب مذهبی، اجتماعی و روانی را شامل می‌شود. معنویت نگرش‌هایی را شامل است که بر اساس باورهای درباره ارتباط با خود، با دیگران، با جهان اطراف و در نهایت با خداست. الیسون (۱۹۸۳) بیان می‌کند که بهزیستی معنوی یک عنصر روانی اجتماعی و یک عنصر مذهبی را شامل است. بهزیستی مذهبی که

عنصر مذهبی است، بیان کننده ارتباط با قدرتی برتر، یعنی خداست. مفهوم بهزیستی معنوی از دو مؤلفه تشکیل شده است: بهزیستی مذهبی و بهزیستی وجودی. بهزیستی مذهبی نشانه ارتباط با قدرتی برتر، یعنی خداست و بهزیستی وجودی عنصری روانی-اجتماعی است و نشانه احساس فرد است از این که کیست، چه کاری و چرا انجام می دهد و به کجا تعلق دارد (دهشیری و همکاران، ۱۳۹۲: ص ۷۳-۹۸). هم بهزیستی مذهبی و هم بهزیستی وجودی تعالی و حرکت فراتر از خود را شامل است. بعد بهزیستی مذهبی ما را در رسیدن به خدا هدایت می کند؛ در حالی که بعد بهزیستی وجودی ما را فراتر از خود ما و به سوی دیگران و محیط ما سوق می دهد. از آنجا که انسان به عنوان نظامی یکپارچه عمل می کند، این دو بعد در عین منفک بودن، تعامل و همپوشی دارند و در نتیجه احساس بهزیستی معنوی، رضایت و هدف مندی به وجود می آید (همان).

در بین جامعه شناسان، اجتماعی وجود دارد مبنی بر این که دین از منابع مهم معنابخشی به زندگی است. به عنوان نمونه از نظر ماکس وبر، تمام ادیان در طول تاریخ تلاش کرده اند نیاز به معنا را رفع کنند. یکی از ابعاد مهم جامعه شناسی دین در نزد وبر، نقش دین در معنا بخشی به زندگی است و این مسئله را بر نیاز انسان شناختی استوار می سازد: «انسان به جهان معنادار نیازی متافیزیکی دارد.» وبر در تبیین دین عنصر روان شناختی جست و جو برای معنا را مورد توجه قرار می دهد (افشانی و جعفری، ۱۳۹۵: ص ۱۹۶).

گاربانیو<sup>۱</sup> نیز معتقد است که مذهب به صورت تکیه گاهی معنوی به کار می رود؛ به این سبب امید به آینده را در فرد تقویت می کند و امید به آینده به نوعی از پسایندهای زندگی با معناست که فرد با معنویت به معنای والاتر، بهزیستی و شکوفایی عمیق تری دست می یابد (نادی و سجادیان، ۱۳۹۰: ص ۵۶-۵۷). باورهای مذهبی و داشتن ایمان به خدا و اعتقاد به مبدأ حقیقت و یک قدرت مافوق و مطلق؛ قدرت تحمل ناکامی ها را بالا می برد و بدین ترتیب به حفظ سلامت جسم و روان کمک می کند و از بروز بیماری های جسمی و روانی پیشگیری می کند و نهایتاً به امید انسان نسبت به آینده می افزاید (yang & Mao, 2007:P 999-).

1. Garaba New

1010). بعضی از باورهای وجودی، مانند ترس از خدا، اضطراب مرگ، باور مربوط به زندگی پس از مرگ با احساس بهزیستی نیز رابطه دارند (Cohen & Hall, 2009: P 39- 54).

مهدویت یا موعودباوری نیز به معنای اعتقاد به یک نجات‌بخش است که در آخرالزمان برای نجات و رهایی انسان‌ها و برقراری صلح و عدالت خواهد آمد. اعتقاد به منجی، در ادیان و ملل و اقوام مختلف و با آیین‌ها و فرهنگ‌های کاملاً متفاوت وجود دارد و در آن‌ها منجی موعود و نجات‌بخش به اشکال و صورت‌های گوناگون و متنوعی مطرح شده است. در میان این گروه‌ها، شیعه به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف معتقد است. «مهدوی» به معنای مربوط بودن به مهدی است، مانند واژه علوی و حسنی. «ت» در واژه مهدویت، تایی تأنیث است و به واسطه حذف شدن موصوف آمده است؛ یعنی در اصل طریقه مهدویة یا مانند آن بوده است (الویری، ۱۳۹۴: ص ۵۵- ۷۶). در صدر اسلام واژه «مهدی» هم برای شخص هدایت شده، و هم برای تکریم برخی افراد به کار می‌رفت. برای نمونه، این عبارت در مورد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، خلفای راشدین و امام حسین علیه السلام به کار رفته است. بنا بر گفته راجکوسکی<sup>۱</sup> اولین کسی که مهدی را به معنای منجی به کار برد، ابو اسحاق کعب بن ماته بن حیسوء حمیری (متوفای ۳۴ق) بود (همان، ص ۳۴). این واژه در بین شیعیان دوازده امامی به حجة بن الحسن، فرزند امام حسن عسکری علیه السلام، اختصاص دارد. به اعتقاد آنان، حجة بن الحسن شخصی است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمدنش را وعده داده و در پایان تاریخ نجات‌بخش بشری خواهد بود.

«فرهنگ مهدوی»، به معنای مجموعه‌ای از تعالیم، سخنان، توقیعات و مبانی کلامی برخاسته از اعتقاد به امامت مهدوی در عصر غیبت است که به آن «آموزه مهدویت» نیز گفته می‌شود. جایگاه ممتاز مهدویت اندیشی در تفکر شیعه به قدری است که پاره‌ای از شرق شناسان و شیعه شناسان که در صدد شناخت عناصر کلان این مذهب بوده‌اند؛ متوجه این مؤلفه گردیده‌اند. هانری کربن در حوزه کلام اسلامی و حامد الگار در حوزه فلسفه سیاسی، از جمله کسانی‌اند که در این باره اظهار نظر کرده‌اند. بر خلاف بسیاری از خاورشناسان که در شناخت اسلام و فرهنگ اسلامی، نگرشی همه جانبه و عمیق ندارند و به هر یک از مؤلفه‌های

1. Rajkowski

دین به صورت تفکیکی و تحلیلی می‌نگرند و از عناصر دین تحلیل ارگانیک و ساختاری ارائه نمی‌کنند؛ کربن از جمله محققانی است که وقتی به اسلام می‌نگرد، به دلیل روش پدیدارشناسانه، به دنبال شناخت اصلی‌ترین و محوری‌ترین عناصر آن می‌باشد و به صورت میدانی و شبکه‌ای به تحلیل این عناصر محوری می‌پردازد. از این رو، یکی از مؤلفه‌های بنیادین که برای او جلب توجه می‌کند، مسئله مهدویت است. وی آن را از محوری‌ترین عناصر اعتقادی عرفان و حکمت شیعی تلقی می‌کند. بنابر اعتقاد هانری کربن اعتقاد به مهدویت عنصر اصلی فکر شیعه است که تا اندازه‌ای این مذهب را از دیگر مذاهب ممتاز می‌سازد و سبب پویایی و حیات آن می‌شود. وی که به شناخت فرقه‌های شیعی توجه بیش‌تری کرده است، آشکارا مسئله امامت و مهدویت را مهم بر می‌شمرد (کربن، ۱۳۷۷: ص ۱۰۵). از دیدگاه کربن، مهدویت به معنای تفسیر باطن دین و ظهور امام، احیای دوباره حیات انسان‌ها می‌باشد: «ظهور امام، عین تجدید حیات آنان است و معنای عمیق اندیشه شیعی غیبت و ظهور امام نیز جز این نیست». وی معتقد است که امام حاضر است؛ اما مردم خود را از دیدار او محروم کرده و در پس حجاب قرار گرفته و توانایی معرفت را از دست داده‌اند. کربن، ظهور امام عجل الله تعالی فرجه التوبه را به کسب معرفت امام منوط می‌داند و معتقد است که ظهور امام، باطن همه تعالیم در ادیان را آشکار خواهد کرد، که همان پیروزی تأویل خواهد بود. از این رو، تا زمانی که معنای باطنی توحید درک نشود (همان). این امر محقق نخواهد شد:

تا زمانی که انسان توان شناخت امام را نداشته باشد، سخن گفتن از ظهور او بی‌معناست، ظهور امام، واقعه‌ای نیست که ناگهان روزی اتفاق افتد، بلکه امری است که هر روز در وجدان مؤمنان شیعی، حاصل می‌شود. ظهور آینده امام، مستلزم استحاله قلب انسان‌هاست و این ظهور تدریجی به ایمان پیروان و نفس وجود آنان بستگی دارد (کربن، ۱۳۷۷: ج دوم).

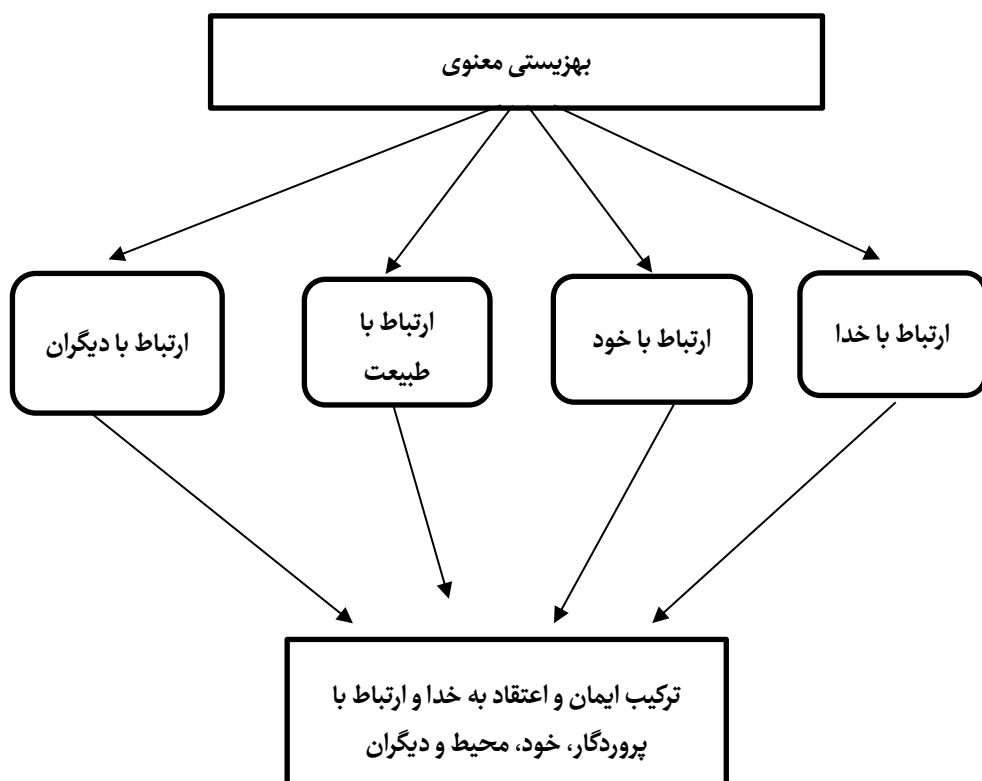
فرهنگ مهدوی صرفاً باور به ظهور نیست، بلکه منظومه فکری-ارزشی است شامل امید

<sup>۱</sup> . کربن در اثبات این امر که تا مردم به بلوغ و رشد روحی نرسند، ظهور امام عجل الله تعالی فرجه التوبه متحقق نخواهد شد؛ به سخن سعدالدین حموی استناد می‌کند: «امام غایب تا زمانی که اسرار توحید را از بند نعلین او استماع نکنند، ظهور نخواهد کرد؛ یعنی تا زمانی که معنای باطنی توحید درک نشود».

فعال به آینده، انتظار مسئولانه و اصلاح‌گر، عدالت‌خواهی و آرمان‌گرایی واقع‌بینانه، احساس حضور حجت‌الاهی در زندگی (امام زنده)، مسئولیت اجتماعی و خودسازی درونی، اعتماد به وعده‌های الهی درباره آینده. این فرهنگ در منابع دینی بر شاخص‌هایی مانند انتظار فرج، عمل صالح، اصلاح‌گری، بصیرت، صبر، توکل و امید پایدار بنا شده است.

در ادبیات اسلامی، رابطه این دو متغیر نه تصادفی، بلکه ذاتی معرفی می‌شود؛ زیرا فرهنگ اعتقاد به مهدویت، ظرفیت تولید معنا، امید، هویت قدسی و آرامش متعالی را دارد. به طور کلی با توجه به مبانی مفهومی و نظری هر دو متغیر می‌توان بیان داشت: معنویت، بیانگر اندازه شناخت انسان از ماهیت معنوی خودش است و اجازه می‌دهد که این ماهیت را به واسطه روان در رفتار و زندگی دنیوی متجلی سازد. امام خمینی نیز معنویت را مجموعه صفات و اعمالی می‌داند که شور و جاذبه قوی و شدید و در عین حال، منطقی و صحیح را در انسان به وجود می‌آورد تا او را در سیر به سوی خدای یگانه و محبوب عالم به طور اعجاب‌آوری پیش ببرد. معنویت را از دو جنبه می‌توان نظاره کرد: یکی از منظر عمومی و جهانی است، که در این صورت، معنویت، هدفمندی در زندگی، تجربه ارتقا و تعالی، کارکرد اجتماعی و پایبندی به بایسته‌های تعریف شده اخلاقی را شامل می‌باشد؛ و دیگری از دیدگاه مکاتب الهی است، که در این صورت، معنویت، مواردی همچون خداشناسی، خداجویی و خدامحوری را شامل است. در چارچوب معنای بهزیستی معنوی، ائتلاف ملی ادیان در سالمندی، چهار عنصر را برای بهزیستی معنوی تحت عنوان تأکید زندگی در ارتباط با خدا، خود، جامعه و محیطی که تمامیت را پرورش می‌دهد و آن را تقدیس می‌کند؛ مشخص کرد. این روابط را می‌توان در چهار حوزه مربوط به وجود انسان، برای ارتقای سلامت معنوی، توسعه داد. ارتباط با خود، در حوزه شخصی، ارتباط با دیگران، در حوزه اجتماعی، ارتباط با محیط، در حوزه محیط و ارتباط با ماوراهای دیگر، در حوزه ماورا. نویسنده این پژوهش را با این فرض شروع کرده است که با افزایش بهزیستی معنوی انسان‌ها در حوزه ارتباط با خدا، با خود، با دیگران و با طبیعت، شناخت حاصل می‌شود و می‌تواند بر فرهنگ اعتقاد به مهدویت اثر بخشی داشته باشند. باورهای مذهبی و داشتن ایمان به خدا و اعتقاد به مبدأ حقیقت و قدرت مافوق و مطلق؛ قدرت تحمل ناکامی‌ها را بالا می‌برد و بدین ترتیب در نهایت، امید انسان نسبت به آینده و آمدن «منجی» افزایش می‌یابد

(yang & Mao, 2007: P 999- 1010). از دیدگاه فرانکل، معناداری آینده، الهام بخش امید است. فرهنگ مهدویت آینده را معنادار و هدفمند می‌کند؛ یعنی آینده بر اساس وعده الهی پیش می‌رود. از طرفی باور به امام زنده نوعی هویت معنوی-قدسی ایجاد می‌کند که احساس محافظت، معنویت زنده و ارتباط با امر متعالی را به انسان می‌بخشد و این هویت، ثبات روانی و امید را تقویت می‌کند. بنابراین، متغیر بهزیستی معنوی به عنوان متغیری مرتبط با فرهنگ اعتقاد به مهدویت تعریف شده است. به عبارتی، از ترکیب ایمان و اعتقاد به خدا و ارتباط با پروردگار، خود، محیط و دیگران، اشتیاق به ظهور موعود الهی شکل می‌گیرد.



## فرضیه‌های پژوهش

### فرضیه اصلی

بین میزان برخورداری از شاخص بهزیستی معنوی دانشجومعلم‌ان و فرهنگ اعتقاد به مهدویت رابطه وجود دارد.

### فرضیه‌های فرعی

۱. بین میزان ارتباط با خدا در دانشجومعلم‌ان و برخورداری از فرهنگ اعتقاد به مهدویت رابطه وجود دارد.
۲. بین میزان ارتباط با خود در دانشجومعلم‌ان و برخورداری از فرهنگ اعتقاد به مهدویت رابطه وجود دارد.
۳. بین میزان ارتباط با طبیعت در دانشجومعلم‌ان و برخورداری از فرهنگ اعتقاد به مهدویت رابطه وجود دارد.
۴. بین میزان ارتباط با دیگران در دانشجومعلم‌ان و برخورداری از فرهنگ اعتقاد به مهدویت رابطه وجود دارد.

### روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع همبستگی و با استفاده از تکنیک پرسشنامه اجرا شده است. جامعه آماری این تحقیق، تمامی دانشجومعلم‌ان پردیس شهید باهنر در استان همدان را شامل بوده است. طبق اطلاعات دریافتی تعداد کل افراد جامعه مورد مطالعه ۷۰۰ نفر و حجم نمونه با استفاده از فرمول عمومی کوکران برابر با ۲۴۸ نفر انتخاب شد. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای استفاده و اطلاعات مورد نیاز از دانشجومعلم‌ان با روش پرسشنامه جمع‌آوری شده است. سنجش سؤالات پرسشنامه براساس طیف لیکرت بوده و پاسخگویان به صورت بی‌نام آن را پُر کرده‌اند. پس از تکمیل پرسشنامه در یک نمونه ۳۰ نفری به احتساب ضریب آلفای کرونباخ مقیاس پرسشنامه اقدام گردید. میزان آلفای کرونباخ برای پرسشنامه برابر با ۰/۷۷ به دست آمد که نشان از پایداری مطلوبی است. برای گردآوری داده‌ها برای متغیر مستقل



(بهزیستی معنوی) از پرسشنامه دهشیری (۱۳۸۸) که بر اساس مدل پیشنهادی انجمن ملی بین مذاهب (۱۹۷۵) طراحی شده است؛ استفاده گردید که ۴۰ گویه با مقیاس لیکرت ۵ قسمتی را شامل است. این پرسشنامه دارای ۴ خرده مقیاس: ارتباط با خدا، ارتباط با خود، ارتباط با طبیعت و ارتباط با دیگران می‌باشد و برای سنجش متغیر وابسته فرهنگ اعتقاد به مهدویت از پرسشنامه حسین زاده و همکاران (۱۳۸۸)، در پنج بعد علم و شناخت، انتظار ظهور، فلسفه غیبت، فلسفه ظهور حضرت، ایمان و باور قلبی به حضرت مهدی در قالب ۴۰ گویه استفاده شده است. یافته‌های پاسخگویان بر اساس آمار توصیفی و استنباطی و با به‌کارگیری از نرم‌افزار spss24 و با استفاده از آمارهایی چون همبستگی پیرسون، رگرسیون چند متغیره و تحلیل مسیر تجزیه و تحلیل شده است. همچنین قبل از فرایند تحلیل استنباطی وضعیت نرمال بودن متغیرهای اصلی تحقیق با آزمون کلموگروف – اسمیرنف (k- S) بررسی و برای تعیین اعتبار پرسشنامه نیز از روش روایی صوری استفاده شده است؛ به این صورت که پرسشنامه تهیه شده را استادان و متخصصان مربوط تأیید کرده‌اند. از سوی دیگر، اعتبار پرسشنامه مذکور مبتنی بر چارچوب نظری و نیز برخورداری از اعتبار در نمونه‌گیری به‌دست آمده است. میزان آلفای کرونباخ این شاخص‌ها و ابعاد آن‌ها در جدول ۲، بیان شده است که بیانگر مقدار مطلوب پایایی و ثبات درونی پرسشنامه است.

جدول شماره ۲. مقدار آلفای کرونباخ شاخص بهزیستی معنوی و اعتقاد به مهدویت و مؤلفه‌های آن‌ها

نام متغیر	تعداد گویه‌ها	مقدار آلفای کرونباخ
بهزیستی معنوی	۴۰	۰/۷۹
ارتباط با خدا	۱۰	۰/۸۰
ارتباط با خود	۱۰	۰/۷۹
ارتباط با دیگران	۱۰	۰/۷۵
ارتباط با طبیعت	۱۰	۰/۸۲
اعتقاد به مهدویت	۴۰	۰/۷۶
علم و شناخت	۱۰	۰/۸۳
فلسفه ظهور	۸	۰/۷۹
انتظار ظهور	۷	۰/۷۸

مقدار آفای کرونباخ	تعداد گویه‌ها	نام متغیر
۰/۷۰	۸	فلسفه غیبت
۰/۷۴	۷	ایمان و باور قلبی به حضرت
۰/۸۱	۸۰	آفای کرونباخ کل

## تعاریف نظری و عملیاتی متغیرها

### الف) متغیر وابسته: فرهنگ اعتقاد به مهدویت

«مهدویت» در اصطلاح به معنای روش، رفتار، فکر و عقیده‌ای است که به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف انتساب داشته باشد؛ یعنی معتقد بودن به وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف (عمید، ۱۳۶۴: ج ۱، ص ۲۳۳) و طریقه و یا رفتاری که به اعتقاد و باور به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف منتسب باشد. بر همین اساس، فرهنگ مهدوی عبارت است از بیان اندیشه‌ها، باورها، اصول و اعتقادات مربوط به آموزه مهدویت، تبیین ارزش‌ها و بایدها و نبایدهای آن، تعیین هنجارها و الگوهای رفتاری کرداری مرتبط با آن، تولید نمادها، نشانه‌ها و علائم نمادین برای توسعه و استحکام آن، تولید آیین‌ها و آداب و رسوم تازه و تقویت آیین‌های پیشین، ابداع و نوآوری‌های ارتباطی رسانه‌ها در حوزه شبکه‌های انسانی حقیقی و مجازی، توسعه و بسط مهارت‌های مورد نیاز، مانند زمینه‌سازی ظهور، انتظار سازنده، روش‌های یاری مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف (عظیمی، ۱۳۸۹: ص ۱۵۵). برای سنجش و عملیاتی کردن این شاخص از پرسشنامه حسین زاده و همکاران (۱۳۸۸) بهره برده شده ۴۰ گویه با مقیاس ۵ قسمتی لیکرت را شامل است. این پرسشنامه دارای ۵ خرده مقیاس، علم و شناخت (۱۰ گویه)، انتظار ظهور (۷ گویه)، فلسفه غیبت (۸ گویه)، فلسفه ظهور حضرت (۸ گویه)، ایمان و باور قلبی به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف (۷ گویه) می‌باشد.

### ب) متغیر مستقل: بهزیستی معنوی

بهزیستی معنوی از منظر قرآن و روایات عبارت است از توجه و اهتمام به باطن تعلیم و آموزه‌های نظری و عملی دین، پیراستن نفس از مادیات و آراستن آن به روحانیت احکام دین مبین اسلام، (در پرتو توجه و تدبر خالصانه) و زینت دادن آن به نورانیت جاری و ساری در نظام

آفرینش و از رهگذر طهارت و خلوص عارفانه (جعفری زاده، ۱۳۹۰: ص ۶۲ و هوشیاری و همکاران، ۱۳۹۳: ص ۸۷-۱۰۳). بهزیستی معنوی، نوعی زندگی مملو از یقین در ارتباط با خداست و ترکیبی مذهبی، اجتماعی و روانی را شامل می‌شود. برای سنجش و عملیاتی کردن این مفهوم در تحقیق حاضر از پرسشنامه دهشیری (۱۳۸۸) که بر اساس مدل پیشنهادی انجمن ملی بین مذاهب (۱۹۷۵) طراحی شده؛ استفاده شده و این ۴۰ گویه با مقیاس لیکرت ۵ قسمتی را شامل است. این پرسنامه دارای چهار خرده مقیاس: ارتباط با خدا، ارتباط با خود، ارتباط با طبیعت و ارتباط با دیگران می‌باشد. که هر یک از خرده مقیاس‌ها دارای ۱۰ گویه است.

### تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این قسمت ابتدا به ارائه نتایج توصیفی (شاخص‌های آماری) و سپس به ارائه نتایج استنباطی (آزمون فرضیه‌ها) پرداخته می‌شود:

### یافته‌های توصیفی

براساس داده‌های به دست آمده، پاسخ‌گویان در فاصله سنی ۱۸-۲۴ سال قرار داشتند که بیش‌ترین پاسخ‌گویان، یعنی ۴۳/۵ درصد ۲۱ سال؛ و کم‌ترین تعداد پاسخ‌گویان، یعنی ۳/۵ درصد، ۱۹ ساله بودند. همه دانشجویان معلمان دختر در مقطع کارشناسی مشغول تحصیل بوده‌اند. براساس داده‌ها بیش‌تر پاسخ‌گویان (۴۸/۳ درصد)، یعنی تقریباً نیمی از آن‌ها در رشته‌های آموزش ابتدایی و استثنایی مشغول تحصیل هستند؛ ۲۷ درصد در رشته آموزش علوم اجتماعی و ۲۴/۷ درصد پاسخ‌گویان در رشته ادبیات مشغول تحصیل بوده‌اند. با توجه به متغیر جمعیت شناختی قومیت نیز از بین این دانشجویان معلمان، بیش‌تر پاسخ‌گویان، یعنی ۶۱ درصد ترک، ۲۲ درصد کرد، ۱۷ درصد فارس، گزارش شده‌اند. همچنین ۳۹ درصد متأهل و ۶۱ درصد مجرد گزارش شده‌اند.

جدول ۳. شاخص‌های آماری متغیرهای بهزیستی معنوی و فرهنگ اعتقاد به مهدویت و مؤلفه‌های آن‌ها

متغیرها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
ارتباط با خدا	۲۴۸	۲۹/۹۸	۴/۵۴	۱۵	۴۵

متغیرها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
ارتباط با خود	۲۴۸	۳۰/۸۸	۵/۴۵	۱۴	۵۰
ارتباط با طبیعت	۲۴۸	۳۰/۹۸	۵/۶۴	۱۴	۵۰
ارتباط با دیگران	۲۴۸	۳۱/۴۳	۵/۱۱	۱۵	۴۶
بهبودی معنوی (کل)	۲۴۸	۱۲۲/۴۵	۱۳/۸۰	۸۴	۱۷۹
علم و شناخت	۲۴۸	۲۹/۱۲	۵/۳۴	۱۳	۴۶
انتظار ظهور	۲۴۸	۲۱/۷۳	۴/۸۸	۸	۳۵
فلسفه غیب	۲۴۸	۲۱/۲۵	۴/۹۶	۱۰	۳۵
فلسفه ظهور	۲۴۸	۲۲/۶۴	۴/۸۴	۱۱	۳۷
ایمان و باور قلبی به حضرت مهدی <small>عجل الله تعالی فرجه الشریف</small>	۲۴۸	۲۰/۷۵	۴/۴۲	۱۰	۳۳
فرهنگ اعتقاد به مهدویت (کل)	۲۴۸	۱۱۶/۰۶	۱۳/۰۳	۸۳	۱۶۶

جدول مذکور، شاخص‌های آماری متغیرهای بهزیستی معنوی و فرهنگ اعتقاد به مهدویت را نشان می‌دهد. میانگین متغیر بهزیستی معنوی (کل) برابر با ۱۲۲/۴۵، با توجه به وجود ۴۰ گویه برای سنجش این متغیر با احتساب طیف امتیازها به هر گویه از ۱ تا ۵ (حداقل ۴۰ و حداکثر ۲۰۰)، امتیاز ۳ معادل ۱۲۰ امتیاز برای این شاخص، نشانگر میزان متوسط آماری است. بنابراین، میانگین به دست آمده، بهزیستی معنوی دانشجو معلمان را در سطح متوسط بالا نشان می‌دهد. هر یک از مؤلفه‌های آن نیز مورد سنجش قرار گرفته است. در این میان با توجه به تعداد گویه و میانگین هر یک باید اذعان داشت که مؤلفه‌های ارتباط با خدا با مقدار میانگین ۲۹/۹۸، ارتباط با خود با میانگین ۳۰/۸۸؛ ارتباط با طبیعت با مقدار میانگین ۳۰/۹۸ و ارتباط با دیگران با مقدار میانگین ۳۱/۴۳؛ در سطح متوسط ارزیابی شده‌اند. با توجه به میانگین متغیر فرهنگ اعتقاد به مهدویت باید اذعان کرد که پاسخگویان میزان اعتقاد به مهدویت خود را کمی پایین‌تر از حد متوسط گزارش کرده‌اند. با وجود ۴۰ گویه برای سنجش اعتقاد به مهدویت با احتساب طیف امتیازها به هر گویه از ۱ تا ۵ (حداقل ۴۰ و حداکثر ۲۰۰)؛ امتیاز ۳ معادل ۱۲۰ امتیاز برای این شاخص نشانگر میزان متوسط آماری است. بنابراین، امتیاز به دست آمده معادل ۱۱۶/۴۵ برای دانشجو معلمان دختر پردیس شهید باهنر، به معنای فرهنگ اعتقاد به مهدویت در سطح، کمی پایین‌تر از حد متوسط ارزیابی شده است. هر یک از مؤلفه‌های فرهنگ اعتقاد به مهدویت

نیز مورد ارزیابی قرار گرفت. به جز بعد ایمان و باور قلبی به حضرت عَلَيْهِ السَّلَام که میانگین آن برابر با ۲۰/۷۵ و مؤلفه انتظار ظهور با مقدار میانگین ۲۱/۷۳ که در سطح متوسط بودند، سه بُعد دیگر یعنی علم و شناخت به حضرت، فلسفه غیبت، انتظار ظهور کمی از حد متوسط پایین تر ارزیابی شده‌اند. که کم شدن میانگین در این ابعاد باعث پایین آمدن شاخص کل فرهنگ اعتقاد به مهدویت شده است.

### آزمون فرضیات تحقیق

قبل از فرایند آزمون استنباطی فرضیه‌ها به منظور اطمینان از نرمال بودن متغیرها، به احتساب آزمون کولموگروف - اسمیرنوف (k-s) اقدام شده است. در جدول ذیل نتایج این آزمون آورده شده است. مقدار آزمون کولموگروف - اسمیرنوف برای تطابق توزیع نمونه با توزیع نظری غیر معنادار بوده؛ بنابراین، توزیع متغیرهای مورد نظر نرمال بوده است.

جدول شماره ۴. آزمون توزیع نرمال داده‌ها

متغیرها	K-S	Sig
فرهنگ اعتقاد به مهدویت	۰/۸۳	۰/۱۱
بهبزستی معنوی	۰/۷۷	۰/۲۳

جدول شماره ۵. ضریب همبستگی بین متغیرهای اصلی تحقیق

متغیر مستقل	متغیر وابسته	شدت رابطه	سطح معناداری	نوع آزمون	نتیجه آزمون	نوع رابطه
ارتباط با خدا	فرهنگ اعتقاد به مهدویت	۰/۲۹	۰/۰۰۰	همبستگی پیرسون	تأیید	مستقیم
ارتباط با خود	فرهنگ اعتقاد به مهدویت	۰/۱۹	۰/۰۰۰		تأیید	مستقیم
ارتباط با طبیعت	فرهنگ اعتقاد به مهدویت	۰/۱۸	۰/۰۰۰		تأیید	مستقیم
ارتباط با دیگران	فرهنگ اعتقاد به مهدویت	۰/۱۱	۰/۰۰۰		تأیید	مستقیم
بهبزستی معنوی	فرهنگ اعتقاد به مهدویت	۰/۴۰	۰/۰۰۵		تأیید	مستقیم

جدول شماره ۵، میزان و شدت رابطه میان متغیرهای تحقیق (میزان بهزیستی معنوی و مؤلفه‌های آن و فرهنگ اعتقاد به مهدویت) را نشان می‌دهد. در فرضیه اصلی (بین میزان بهزیستی معنوی دانشجو معلمان و فرهنگ اعتقاد به مهدویت رابطه وجود دارد)؛ میزان همبستگی بین دو متغیر با سطح معناداری ۰/۰۰۰ و شدت رابطه ۴۰/۰؛ نشان دهنده رابطه معنادار بین دو متغیر است. جهت رابطه مثبت و مستقیم است؛ یعنی با افزایش بهزیستی معنوی، میزان اعتقاد به مهدویت، افزایش پیدا خواهد کرد. در فرضیه اول (بین میزان ارتباط با خدا در دانشجو معلمان و فرهنگ اعتقاد به مهدویت رابطه وجود دارد)، میزان همبستگی بین دو متغیر با سطح معناداری ۰/۰۰۰ و شدت رابطه ۲۹/۰، نشان دهنده رابطه معنادار بین دو متغیر است. جهت رابطه مثبت و مستقیم است، یعنی هر چه ارتباط با خدا (عبادت کردن، رضایت خداوند، کمک خواستن از خدا و ...) در دانشجو معلمان قوی‌تر باشد، برخورداری آن‌ها از فرهنگ اعتقاد به مهدویت، افزایش پیدا خواهد کرد. در فرضیه دوم (بین میزان ارتباط با خود در دانشجو معلمان و فرهنگ اعتقاد به مهدویت رابطه وجود دارد)؛ میزان همبستگی بین دو متغیر با سطح معناداری ۰/۰۰۰ و شدت رابطه ۱۹/۰ نشان دهنده رابطه معنادار بین دو متغیر است. جهت رابطه مثبت و مستقیم است، یعنی با افزایش ارتباط با خود (خوشبینی نسبت به آینده، داشتن اهداف روشن و مهم و ...)، میزان اعتقاد به مهدویت در آن‌ها افزایش پیدا خواهد کرد. در فرضیه سوم (بین میزان ارتباط با دیگران در دانشجو معلمان و فرهنگ اعتقاد به مهدویت رابطه وجود دارد)، میزان همبستگی بین دو متغیر با سطح معناداری ۰/۰۰۲ و شدت رابطه ۱۱/۰، نشان دهنده رابطه معنادار بین دو متغیر است. جهت رابطه مثبت و مستقیم است، به عبارتی با افزایش ارتباط با دیگران (احترام به دیگران، مهربانی با آن‌ها، عدم تفکر به منافع خویش و ...)؛ میزان برخورداری آن‌ها از فرهنگ اعتقاد به مهدویت در سطح کمی افزایش پیدا خواهد کرد. در فرضیه چهارم (بین میزان ارتباط با طبیعت در دانشجو معلمان و فرهنگ اعتقاد به مهدویت رابطه وجود دارد)؛ میزان همبستگی بین دو متغیر با سطح معناداری ۰/۰۰۱ و شدت رابطه ۱۸/۰، نشان دهنده رابطه معنادار بین دو متغیر است. سوگیری رابطه مثبت و مستقیم است؛ یعنی هر چه ارتباط با طبیعت (احترام به طبیعت، لذت بردن از آن و ...) بیش‌تر شود، میزان برخورداری از فرهنگ مهدویت، افزایش پیدا خواهد کرد. بنابراین، تغییرات در متغیرهای

مستقل (بهزیستی معنوی و مؤلفه‌های آن) باعث نوسان در متغیر وابسته فرهنگ اعتقاد به مهدویت خواهد شد. پس فرضیه‌های تحقیق همگی تأیید شده‌اند.

## آزمون رگرسیون

برای تبیین واریانس متغیر وابسته، فرهنگ اعتقاد به مهدویت به وسیله متغیر مستقل بهزیستی معنوی، از نتایج رگرسیونی بهره برده شده است. قابل ذکر است به دلیل این که شاخص بهزیستی معنوی از چهار مؤلفه ساخته شده است، در معادله رگرسیونی فقط مؤلفه‌های آن وارد شده‌اند؛ از رگرسیون به شیوه همزمان (Enter) استفاده شده است.

جدول شماره ۶. نتایج تحلیل رگرسیون بر اساس تحلیل واریانس و ضریب همبستگی

R ضریب همبستگی	R تعدیل شده	F	سطح معناداری	دوربین واتسون
۰/۶۸	۴۵/۹	۱۴۰/۷۵۲	۰/۰۰۰	۲/۲۰

با توجه به این که مقدار ضریب همبستگی (R) بین متغیرها ۰/۶۸۵ می‌باشد؛ (که نشان می‌دهد بین مجموعه متغیرهای مستقل و متغیر وابسته همبستگی چندگانه نسبتاً قوی وجود دارد) و مقدار ضریب تعیین تعدیل شده برابر ۴۵/۹ است که با توجه به این که این ضریب با درجات آزادی تعدیل شده است؛ به منظور انعکاس بیش‌تر میزان نکویی برازش مدل از آن استفاده می‌شود، (و این نشان دهنده آن است که ۴۵/۹ درصد از کل تغییرات میزان فرهنگ اعتقاد به مهدویت در بین این دانشجو معلمان به متغیر مستقل ذکر شده در این معادله وابسته است؛ بنابراین، مابقی این تغییرات (۵۴/۱ درصد) تحت تأثیر متغیرهای خارج از مدل است. با توجه به مقدار آزمون تحلیل واریانس ۱۴۰/۷۵۲ که در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۵ معنادار است؛ می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی تحقیق مدل خوبی بوده و مجموعه متغیرهای مستقل قادرند میزان برخورداری دانشجومعلم را از فرهنگ اعتقاد به مهدویت تبیین کنند و نتایج قابل تعمیم به جامعه است. همچنین باید متذکر شد مقدار آماره دوربین واتسن (استقلال خطا) برابر با ۲/۲۰ شده است. بنابراین، بین باقی‌مانده‌های مدل همبستگی وجود نداشته است و باقی‌مانده‌ها مستقل هستند.



جدول شماره ۷. رگرسیون خطی چند متغیره مستقل و متغیر وابسته (فرهنگ اعتقاد به مهدویت)

سطح معناداری	T	ضرایب معیار شده	ضرایب معیار نشده		متغیرهای مستقل
		بتا	خطای معیار	B	
۰/۰۰۰	۱۲/۷۶۰	-	۳/۵۶	۴۵/۴۹	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	۱۶/۱۶۷	۰/۴۶۴	۰/۰۷۵	۱/۲۱	ارتباط با خدا
۰/۰۰۰	۱۳/۶۳۳	۰/۴۵۸	۰/۰۸۲	۱/۱۱۷	ارتباط با خود
۰/۰۱۳	۲/۵۰	۰/۰۷۵	۰/۰۷۱	۰/۱۷۸	ارتباط با طبیعت
۰/۰۱۸	۲/۳۶	۰/۰۷۷	۰/۰۹۳	۰/۲۲۱	ارتباط با دیگران

یافته‌های جدول شماره ۷، رگرسیون خطی چند متغیر مستقل و متغیر وابسته را نشان می‌دهد از میان چهار متغیر مستقل موجود در مدل رگرسیونی، متغیر ارتباط با خدا با مقدار ضریب بتا ۰/۴۶۴ و سطح معناداری ۰/۰۰۰ به بهترین وجه، متغیر وابسته اعتقاد به مهدویت را تبیین می‌کنند. و بعد از این متغیر، متغیر ارتباط با خود با مقدار بتای ۰/۴۵۸ و سطح معناداری ۰/۰۰۰ سهمی در تبیین فرهنگ اعتقاد به مهدویت داشته است. مابقی متغیرها، با توجه به جدول سهمی در تبیین متغیر وابسته داشته‌اند. مقدار t اهمیت نسبی حضور هر متغیر مستقل را در مدل نشان می‌دهد. با توجه به این که در این تحقیق، مقدار t برای متغیرهای مستقل موجود در معادله رگرسیونی بزرگ‌تر از ۲/۳۳ و در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱ و ۰/۰۵ معنادار هستند؛ بنابراین، نتیجه می‌شود که متغیرهای مورد نظر بر تبیین متغیر وابسته تأثیر معناداری داشته‌اند.



## نتیجه گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که میان میزان برخورداری از بهزیستی معنوی و سطح پایبندی به فرهنگ اعتقاد به مهدویت رابطه‌ای معنادار وجود دارد؛ رابطه‌ای که در تحلیل‌های تبیینی نیز از ثبات و استحکام قابل توجهی برخوردار بود. این نتیجه نشان می‌دهد که فرهنگ مهدویت، به عنوان الگوی معنایی عمیقی در جهان بینی اسلامی، نقشی فراتر از باور اعتقادی صرف ایفا می‌کند و می‌تواند بر شکل دهی به تجربه زیسته افراد از معنا، امید، آرامش، و پیوند اخلاقی با خالق و خلق تأثیرگذار باشد. باید به این نکته توجه کرد که مؤلفه‌های محوری بهزیستی معنوی، همچون احساس ارتباط با امر متعالی، درک معنا و هدف زندگی، امید به آینده و انسجام درونی، همگی با عناصر اصلی فرهنگ مهدویت هم‌افق اند. مهدویت با تأکید بر آینده روشن، عدالت نهایی، حضور هدایت الهی در تاریخ و دعوت مستمر به اصلاح فردی و اجتماعی؛ بستری فراهم می‌کند که در آن، فرد نه تنها معنای عمیق تری از زندگی می‌یابد، بلکه احساس امید و آرامش وجودی نیز در او تقویت می‌شود. همین پیوندهای مفهومی موجب می‌شود که باور و التزام به مهدویت، به‌ویژه در میان جوانان، عامل محافظتی معنوی در برابر تهدیدهای روانی و اجتماعی تلقی گردد. از منظر نظری، نتایج این مطالعه با پیشینه پژوهش‌های مرتبط نیز همخوانی دارد. مطالعات پیشین درباره معنویت اسلامی، امید، تاب‌آوری معنوی و نقش باورهای مهدوی در امید اجتماعی نیز نشان داده‌اند که هرچه نظام معنایی فرد بر پایه انتظار فعال و باور به ظهور عدالت جهانی استوارتر باشد، شاخص‌های سلامت روانی و معنوی او نیز وضعیت مطلوب‌تری خواهد داشت. این همسویی نظری، بر اعتبار یافته‌های پژوهش حاضر می‌افزاید و نشان می‌دهد که فرهنگ مهدویت می‌تواند به‌عنوان چارچوب معنایی منسجمی برای ارتقای بهزیستی معنوی مطرح شود.

مطابق یافته‌های پژوهش، نتایج توصیفی در ابتدا نشان می‌دهد که میانگین متغیر بهزیستی معنوی برابر با ۱۲۲/۴۵، است که میزان بهزیستی معنوی دانش‌جو معلمان را در سطح متوسط بالا نشان می‌دهد. با توجه به میانگین متغیر فرهنگ اعتقاد به مهدویت (۱۱۶/۰۶) باید اذعان کرد که پاسخگویان، میزان اعتقاد به مهدویت خود را کمی پایین‌تر از حد متوسط گزارش کرده‌اند. بنابر نتایج آزمون همبستگی، ارتباط معناداری میان میزان بهزیستی معنوی و مؤلفه‌های آن

با فرهنگ اعتقاد به مهدویت (p:0/40) در سطح معناداری 0/005 تأیید شده است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که متغیرهای مورد نظر بر تبیین متغیر وابسته فرهنگ اعتقاد به مهدویت تأثیر معناداری داشته‌اند. همچنین با توجه به مقدار ضریب همبستگی (R) بین متغیرها برابر با 0/685، نشان می‌دهد بین مجموعه متغیرهای مستقل و متغیر وابسته، همبستگی چندگانه نسبتاً قوی وجود دارد. متغیر بهزیستی معنوی، به عنوان متغیری مرتبط با فرهنگ اعتقاد به مهدویت تعریف شده است. به عبارتی، از ترکیب ایمان و اعتقاد به خدا و ارتباط با پروردگار، ارتباط با خود، با محیط و با دیگران، اشتیاق به ظهور موعود الهی شکل می‌گیرد. نتایج پژوهش راهکارها و مولفه‌های مهمی برای برنامه‌های آموزشی، تربیتی و حتی سیاست‌گذاری فرهنگی دارد. تقویت عناصر معرفتی، ارزشی و رفتاری فرهنگ مهدوی در میان دانشجویان و عموم جامعه می‌تواند زمینه‌ساز افزایش امید، انگیزه معنوی، احساس امنیت درونی و انسجام اخلاقی شود؛ به ویژه در فضای اجتماعی امروز که اضطراب‌های وجودی، آینده‌هراسی و فشارهای روانی رو به افزایش است؛ تکیه بر باورهای معنابخش و امیدآفرین مهدوی می‌تواند پشتیبان‌های مطمئن برای سلامت معنوی نسل جوان ایجاد کند. در مجموع، این پژوهش نشان می‌دهد که بهزیستی معنوی و فرهنگ اعتقاد به مهدویت، نه دو مقوله جدا، بلکه دو ساحتی هستند که در بسیاری از ابعاد معرفتی، عاطفی و الگوهای رفتاری یکدیگر را تقویت می‌کنند. از این رو، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده، نقش متغیرهای میانجی مانند امید، معنویت اسلامی، هویت دینی و تاب‌آوری روان‌شناختی نیز در این رابطه بررسی شود. همچنین اجرای مطالعات مقایسه‌ای در گروه‌های مختلف جمعیتی می‌تواند به فهم دقیق‌تر سازکارهای اثرگذار کمک کند. به این ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که فرهنگ اعتقاد به مهدویت، با ظرفیت‌های معنوی، اخلاقی و امیدآفرین خود، می‌تواند یکی از مهم‌ترین منابع ارتقای بهزیستی معنوی در جامعه ایرانی. اسلامی باشد؛ منبعی که توجه عالمانه و برنامه‌ریزی‌شده به آن می‌تواند به شکوفایی فردی و پیشرفت اجتماعی نیز یاری رساند.

## منابع

قرآن کریم.

۱. الویری، محسن (۱۳۹۴). «کارکرد تمدنی قرآن؛ یک بررسی مقدماتی در قلمرو تمدن پیشین اسلامی»، نشریه نقد و نظر، دوره ۲۰، شماره ۸۰، ص: ۵۵-۷۶.
۲. افشانی، سید علیرضا و جعفری، زینب (۱۳۹۵). «رابطه سرمایه اجتماعی و امید به آینده در بین دانشجویان دانشگاه یزد»، فصلنامه علوم اجتماعی، سال ۲۵، شماره ۷۳، تابستان، ص: ۹۲-۱۱۵.
۳. الهی نژاد، حسین (۱۳۹۹). «تحلیل مبانی فرهنگ اجتماعی - دفاعی در عصر غیبت در پرتو اندیشه مهدویت»، مجله اسلام و مطالعات اجتماعی، سال ۷، شماره ۴، ص: ۷-۳۱.
۴. بزرگ خو، نرگس و بنت سلمان، آسیه (۱۳۹۸). «تأثیر اعتقاد به مهدویت بر تکامل اجتماعی بشر»، دو فصلنامه موعود پژوهی، شماره ۲، ص: ۹-۲۲.
۵. حوری مردق، مریم (۱۴۰۲). «روانشناسی اعتقاد به مهدویت در جوامع اسلام و بررسی نقش آموزش و پرورش در ترویج فرهنگ مهدویت»، ماهنامه پایا شهر، دوره ۴۷، ص: ۱-۲۴.
۶. حسین زاده، اکرم؛ تقی زاده، محمد احسان و همایی، رضا (۱۳۸۹). «بررسی باور به مهدویت در میان جوانان پانزده تا ۲۹ ساله تهرانی»، مجله مشرق موعود، شماره ۱۲، ص: ۱۲۹-۱۵۰.
۷. دهشیری، غلامرضا؛ نجفی، محمود؛ سهرابی، فرامرز؛ ترقی خواه، صدیقه (۱۳۹۲). «ساخت و اعتبار یابی پرسشنامه بهزیستی معنوی درمیان دانشجویان»، مطالعات روان شناختی، دوره ۹، شماره ۴، ص: ۷۳-۹۸.
۸. زواردهی، روح الله و قربانی قمی، اکرم (۱۳۹۷). «بررسی و تحلیل قابلیت‌های آموزه مهدویت در ایجاد سرمایه اجتماعی»، مجله مدیریت سرمایه اجتماعی، دوره ۵، شماره ۳، ص: ۴۳۳-۴۵۵.
۹. سید کلان، سید محمد و رضایی شریف، علی (۱۳۹۵). «اثر بخشی سبک زندگی مبتنی بر مهدویت در بهزیستی روانشناختی و معنوی دانش آموزان»، مجله مشرق موعود، شماره ۴۰،

۱۰. عمید، حسن (۱۳۶۴). *فرهنگ عمید*. تهران، انتشارات جاویدان.
۱۱. عظیمی، کاظم (۱۳۸۹). «درآمدی بر فرهنگ مهدویت و عناصر آن»، مجله دین و ارتباطات، شماره ۳۷-۳۸، ص: ۱۴۱-۱۶۸.
۱۲. هانری کرین (۱۳۷۷). *تاریخ فلسفه اسلامی*، مترجم: جواد طباطبایی، تهران، انتشارات کویر.
۱۳. مرادی، اعظم و قلمکاریان، سید محمد (۱۳۹۳). «بررسی وضعیت حیطه‌های مختلف انتظار فرج در دانشجویان و رابطه آن با ویژگی‌های جمعیت شناختی»، مشرق موعود، شماره ۳۲، ص: ۱۰۷-۱۲۵.
۱۴. ملکی راد، محمود و گودرزی، مجتبی (۱۳۹۷). «کارکرد اجتماعی اعتقاد به مهدویت»، مجله اسلام و مطالعات اجتماعی، سال ۵، شماره ۲، ص: ۶-۳۱.
۱۵. مظفری، مسلم؛ عسکری، احمد و منصور، علیرضا (۱۴۰۳). «بررسی تأثیر فرهنگ مهدویت بر باور معلمان مقطع ابتدایی لامرد»، فصلنامه رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابرسی، شماره ۳۱، ص: ۱۲۵-۱۲۱۸.
۱۶. نادى، محمد علی و سجادیان، ایلناز (۱۳۹۰). «تحلیل روابط معنای معنوی با با بهزیستی معنوی، شادی ذهنی، رضایت از زندگی، شکوفایی روان شناختی، امید به آینده و هدف‌مندی در زندگی دانشجویان»، مجله طلوع بهداشت یزد، شماره ۳ و ۴، ص: ۵۴-۶۸.
۱۷. هوشیاری، جعفر؛ صفورایی پاریزی، محمد مهدی و نیوشا، بهشته (۱۳۹۳). «رابطه کارآمدی خانواده با بهزیستی معنوی در دانشجویان و طلاب»، دوفصلنامه مطالعات اسلام و روان‌شناسی، شماره ۱۵، پاییز و زمستان، ص: ۸۷-۱۰۳.

18. Al-Thani, Hessa (2025). Religion and spiritual well-being: a qualitative exploration of perspectives of higher education faculty in Qatar and its challenge to western well-being paradigms, *Front. Psychol*, vol. 16, P: 1- 13.

19. Cohen, A. B. & Hall, D. E (2009). Existential beliefs, social

satisfaction and Well - being among catholic, Jewish and protestant older adults, international journal for psychology of religion, vol.19 (1), p.39-54.

20. Diener, E. & et al (1999). "Subjective wellbeing: Three decades of progress". Psychological Bulletin, Vol. 125, No.2: p.276-302

21. Ellison, C (1983). Spiritual well-being: conceptualization and measurement. Journal of Psychology and Theology, vol.11 (4), p.330-340.

22. Keyes, C. L. M. Shmotkin, D. & Ryff, C. D (2002). Optimizing well- being: The empirical encounter of two traditions. Journal of Personality and Social Psychology, vol.82, p.107- 1022.

23. Khanna, S., Greyson, B (2013)," Near-Death Experiences and Spiritual Well

24. Martela, F., and Sheldon, K. M (2019). Clarifying the concept of well-being: psychological need satisfaction as the common core connecting eudaimonic and

subjective well-being. Rev. Gen. Psychol. vol.23, p.458-474.

25. Pleeging, E., Burger, M., and van Exel, J (2021). The relations between hope and subjective well-being: a literature overview and empirical analysis. Appl. Res. Qual. Life. Vol.16, p.1019-1041.

26. Yang, K.P. & X.Y. Mao (2007). "A Study of Nurses' Spiritual Intelligence: A Cross-Sectional Questionnaire Survey". International Journal of Nursing Studies, vol.44 (6): p.999-1010.

